

الجزایر، نخستین کشور عربی و آفریقایی است که به تصرف استعمارگران درآمد. نخست‌وزیر فرانسه «ژول آرماندو پولینیاک» در صدد کسب اعتبار نزد پادشاه فرانسه «شارل دهم» بود، از این رو، در نظر داشت تا الجزایر را مستعمره فرانسه نماید. بنابراین در پنجم ژوئیه ۱۸۳۰ میلادی، الجزایر به اشغال نظامیان فرانسه درآمد

نگاه به

جنبش‌های سیاسی و اسلامی الجزایر

▲ مرتضی قاسمی حامد
 دانشجوی رشته علوم حدیث / ورودی ۸۲
 mor-ghasemilamed@yahoo.com



چکیده

این نوشتار با بررسی جنبش‌های سیاسی و اسلامی الجزایر در نیمه اول قرن بیستم به میزان تأثیرگذاری استعمار فرانسه بر جنبش‌های مذکور می‌پردازد و در نهایت این جنبش‌ها را بر اساس تأثیرپذیری از ناسیونالیسم به سه دسته کلی تقسیم کرده است که عبارتند از: جنبش‌های طرفداران ناسیونالیسم، جنبش‌های اسلام‌گرایان و جنبش‌های میانه‌رو.



کلیدواژه‌ها:

الجزایر، جنبش‌ها، ناسیونالیسم، اسلام‌گرایی.

مقدمه:

نگارنده در این مقاله قصد دارد تا به بیان جنبش‌های سیاسی و اسلامی الجزایر در نیمه اول قرن بیستم بپردازد. بنابراین، ابتدا به بررسی اجمالی کشور الجزایر می‌پردازیم و بعد از آن به بررسی جنبش‌های سیاسی و اسلامی آن خواهیم پرداخت. روش این مقاله روش توصیفی است و هدف آن آشنا نمودن مخاطبان با جنبش‌های سیاسی و اسلامی الجزایر می‌باشد؛ به گونه‌ای که بتوانند جنبش‌های مختلف را از یکدیگر تمییز دهند.

آشنایی اجمالی با کشور الجزایر
 ۱. مساحت و موقعیت جغرافیایی الجزایر
 الجزایر کشوری با مساحت ۲۳۸۱۷۴۱ (۱) کیلومتر مربع در شمال غربی آفریقا (۲) می‌باشد که دومین کشور بزرگ آفریقا (۳) پس از سودان (۴) است. این کشور از شمال به دریای مدیترانه، از جنوب به نیجر، مالی و موریتانی، از شرق به تونس و لیبی و از غرب به مراکش محدود می‌شود (۵) و پایتخت آن شهر الجزایر است که آن را





در نیمه اول قرن بیستم

الجزیره نیز گویند. (۶) ارتفاع مهم این کشور، کوههای اطلس است (۷) که این کوهها به دو رشته کوه موازی «اطلس ساحلی» و «اطلس صحرائی» تقسیم می شود و این دو رشته کوه، الجزایر را به سه منطقه موازی افقی تقسیم می کند که این سه منطقه عبارتند از: ۱. بخش ساحلی (جلگه باریک) ۲. فلات مرکزی (مرتفع) ۳. بخش صحرائی (۸). لازم به ذکر است که صحرا بیش از ۸۵ درصد (۹) یا ۸۶ درصد (۱۰) مساحت الجزایر را دربر می گیرد و نواحی ساحلی دارای آب و هوایی مدیترانه ای می باشد و فلات مرکزی نیز از دریاچه ها و مردابهای نمک پوشیده شده است. (۱۱) رودهای مهم این کشور عبارتند از: الصومام، الرومال، المبطوح، الهیره، تفنه، الشلیف، مزی، الابیضی، سومان، راحمل، حبرا و تفنا (۱۲). به جز الشلیف که طولانی ترین رود الجزایر (۱۳) و دائمی می باشد، رود دیگری که دائمی باشد، در این کشور وجود ندارد و تمامی رودها در فصلهای بارانی دارای آب می باشند (۱۴).

۳. **ادیان و مذاهب مردم الجزایر**
اسلام از اواسط قرن هفتم میلادی (اول هجری) به شمال آفریقا و الجزایر راه یافت (۱۷)، اکنون به جز عده ای اندک، تقریباً تمام مردم الجزایر (۱۸) یعنی ۹۹ درصد (۱۹) مسلمانند که اغلب آنها پیرو مذهب تسنن و عمدتاً مالکی مذهب اند (۲۰)، البته عده کمی حنفی هم وجود دارد. (۲۱) اقلیت مهم مسلمانان خوارج هستند، (۲۲) که در این میان قبیله بنی فراب از خوارج اباضیه اند. (۲۳) مذهب عده ای نیز مسیحی می باشد که به استثنای عده کمی از آنها بقیه خارجی اند. (۲۴) در ضمن یهودیت نیز به مقدار بسیار کم و محدود، پیروانی دارد. (۲۵)

۴. **پیشینه تاریخ الجزایر**
الجزایر، نخستین کشور عربی و آفریقایی است که به تصرف استعمارگران در آمد. نخست وزیر فرانسه «ژول آرماندو پولینیاک» در صدد کسب اعتبار نزد پادشاه فرانسه «شارل دهم» بود، از این رو، در نظر داشت تا الجزایر را مستعمره فرانسه نماید. بنابراین در پنجم ژوئیه ۱۸۳۰ میلادی، الجزایر به اشغال نظامیان فرانسه درآمد (۲۶) البته این کشور تا سال ۱۸۳۰ همواره مورد هجوم اسپانیاییها، انگلیسیها، هلندیها و فرانسویها بود، اما نتوانستند بر آن

الجزیره نیز گویند. (۶) ارتفاع مهم این کشور، کوههای اطلس است (۷) که این کوهها به دو رشته کوه موازی «اطلس ساحلی» و «اطلس صحرائی» تقسیم می شود و این دو رشته کوه، الجزایر را به سه منطقه موازی افقی تقسیم می کند که این سه منطقه عبارتند از: ۱. بخش ساحلی (جلگه باریک) ۲. فلات مرکزی (مرتفع) ۳. بخش صحرائی (۸). لازم به ذکر است که صحرا بیش از ۸۵ درصد (۹) یا ۸۶ درصد (۱۰) مساحت الجزایر را دربر می گیرد و نواحی ساحلی دارای آب و هوایی مدیترانه ای می باشد و فلات مرکزی نیز از دریاچه ها و مردابهای نمک پوشیده شده است. (۱۱) رودهای مهم این کشور عبارتند از: الصومام، الرومال، المبطوح، الهیره، تفنه، الشلیف، مزی، الابیضی، سومان، راحمل، حبرا و تفنا (۱۲). به جز الشلیف که طولانی ترین رود الجزایر (۱۳) و دائمی می باشد، رود دیگری که دائمی باشد، در این کشور وجود ندارد و تمامی رودها در فصلهای بارانی دارای آب می باشند (۱۴).

۲. **اقوام و نژادهای الجزایر**
دو دسته اقوام در الجزایر وجود دارند، یک دسته اعراب یا بربرهایی که عربی شده اند و دسته دیگر بربرهایی که هویت غیرعربی خود را حفظ کرده اند. دسته اول در حدود ۸۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می دهند. این دو گروه به یک تیره نژادی می رسند که تمیز میان آنها به آسانی ممکن نیست. (۱۵)

فرانسویها این گونه ادعا می کردند که برای رهایی الجزایر از سیطره عثمانیها که از قرن ۱۶ به بعد جزو قلمرو آنها شده بودند به این کشور آمده اند و ازادی و دموکراسی را به ارمغان می آورند



در سال ۱۹۲۴ یکی از دانشجویان الجزایری در فرانسه به نام «احمد مصالی الحاج» با همکاری حزب کمونیست فرانسه نخستین نشریه ناسیونالیست الجزایر را در پاریس تأسیس کرد که نام آن را «ستاره شمال آفریقا» گذاردند. از این رو روابط دوستانه‌ای بین ناسیونالیست‌ها و کمونیست‌ها به وجود آمد و این رابطه در سال ۱۹۲۷ محکم‌تر و قوی‌تر گردید

تسلط پیدا کنند. (۲۷)

فرانسویها این گونه ادعا می‌کردند که برای رهایی الجزایر از سیطره عثمانیها که از قرن ۱۶ به بعد جزو قلمرو آنها شده بودند (۲۸) به این کشور آمده‌اند و آزادی و دموکراسی را به ارمغان می‌آورند. (۲۹) اما بر اثر انقلابی تصمیم‌گیری درباره الجزایر، ۴ سال به تأخیر افتاد و سرانجام در سال ۱۸۳۴ میلادی، به طور رسمی به استعمار فرانسه درآمد. (۳۰)

از سال ۱۸۳۰ تا ۱۹۰۰ مردم الجزایر در شرایط بسیار سخت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی می‌کردند که می‌توان دلایل آن را عواملی از جمله: متلاشی شدن اقتصاد سنتی در خلال مبارزات دانست. (۳۱) با استعمار الجزایر توسط فرانسه، قیام‌هایی مردمی و پی در پی بر علیه آنها صورت گرفت که چهره‌های دینی و انگیزه‌های اسلامی نیز در آنها نقش داشتند. این قیام‌ها تا قبل از قرن بیستم عبارتند از:

۱. قیام شیخ امیر عبدالقادر الجزایری (۳۲) همراه با پدرش محیی‌الدین حسنی (۱۸۳۰ - ۱۸۴۷).
۲. قیام ابومغیره در کوه‌های ظهره (۱۸۴۵ - ۱۸۴۷).
۳. قیام ابونعله در منطقه قبائل (۱۸۵۱ - ۱۸۵۴).
۴. قیام محمد بن عبدالله در جنوب (۱۸۵۲ - ۱۸۵۴) که به مدت ۲۰ سال توسط پسرش سیدی سلیمان ادامه پیدا کرد.
۵. قیام سیده لافاطمه در منطقه جرجه (۱۸۵۷).
۶. قیام بنی سنان در مرز مراکش (۱۸۵۹).
۷. قیام اولاد و قبائل سیدی شیخ در جنوب (۱۸۶۳ - ۱۸۶۴).
۸. قیام شیخ حداد و مقرانی (۱۸۷۰ - ۱۸۷۱). (۳۳)

تشکیل هیئت کارگزاران مالی (۱۹۰۰)

در سال ۱۹۰۰ میلادی، الجزایر در زمینه‌های اداری، اجرایی و مالی از نظر داخلی خودمختاری یافت. این استقلال داخلی از طریق هیئتی موسوم به «کارگزاران مالی» که دو سوم اعضای آن از اروپائیان و یک سوم بقیه از میان مسلمانان الجزایر ترکیب یافته بود، اعمال می‌شد. این هیئت وظیفه تنظیم بودجه سالانه را بر عهده داشت. (۳۴)

جنبش جوانان الجزایری (۱۹۰۵)

در اوایل قرن بیستم، جوانان الجزایر بر آزادیخواهان فرانسوی همچون «پل بورد» و «آلبن روزه» تکیه کردند، از این رو بعد از اندکی توجه روشنفکران فرانسوی را به خود جلب نمودند. بنابراین، این جنبش متشکل از نمایندگان روحانیان و روشنفکران متعهد به وجود آمد. (۳۵) آنان به تشکیل هیئتهای نمایندگی در پاریس همت گماردند و تقاضاهای خود را عرضه نمودند. (۳۶) هدف اصلی این جنبش، برقراری مساوات بین

الجزایریها و فرانسویها بود و آرمانهای آنها عبارتند از:

۱. حذف نابرابریهای مالیاتی.
 ۲. گسترش تحصیلات ابتدایی.
 ۳. افزایش تعداد نمایندگان سیاسی مسلمانان.
 ۴. پایان دادن به تبعیض بر علیه بومیان. (۳۷)
- جنبش جوانان الجزایری بعدها تجزیه شد، عده‌ای بدون اینکه از وجهه اسلامی الجزایر حمایت نمایند، تابع فرانسه گردیدند و عده‌ای به سازش با فرانسه با حفظ وجهه اسلامی الجزایر پرداختند. مهم‌ترین رهبران این جنبش «فرحت عباس» و «بن حلول» و مهم‌ترین هفتغامه‌هایی که منتشر می‌کردند: «التقدم»، «لاتربیبون» و «لوتردونیون» بود. (۳۸)

قیام اوراس (۱۹۱۶) (۳۹)

با توصیه‌های رهبران و روحانیان، مردم مسلمان الجزایر نسبت به استعمار فرانسه و عواقب خطرناک آن آگاه شدند. بر این اساس به قیام‌هایی اقدام نمودند. از جمله: روزی در منطقه اوراس اجتماع کردند و به تظاهرات و شورش علیه استعمار پرداختند، اما این قیام با وجود شدتی که داشت توسط استعمار سرکوب گردید و چون در منطقه اوراس برگزار شده بود به قیام اوراس مشهور شد.

قیام اوراس بر علیه اجباری بودن سربازی مسلمانان برای اعزام به جنگ صورت گرفت (۴۰) ولی نتوانست اغتشاشات را از بین ببرد و در ضمن بر خلاف وفاداری سایر بومیان بود، به همین خاطر به موفقیت نینجامید. (۴۱)

ظهور ناسیونالیسم در میان مردم الجزایر

ناسیونالیسم به معنای ملت‌خواهی، ملیت‌خواهی و تعصب ملی می‌باشد (۴۲) یعنی شخصی به حمایت از قوم و ملت خود بپردازد و برای سربلندی آن تلاش کند. به طوری که تنها سربلندی ملی را اصل بداند و به دیگر جوانب جامعه توجهی نکند.

این واژه و افکار پیرامون آن پس از جنگ جهانی اول، سراسر خاورمیانه را فراگرفت؛ سپس در میان مردم الجزایر ظهور یافت (۴۳) که موجب توانبخشی مردم الجزایر گردید تا با انرژی بیشتری به ادامه مبارزات علیه استعمار فرانسه و غرب بپردازند.

تحت تأثیر ناسیونالیسم جنبش‌هایی به فعالیت پرداختند که البته همه آنها انگیزه‌هایی اسلامی را نیز با انگیزه ملی‌گرایی در هم آمیختند تا بدین وسیله طرفداران زیادی را کسب نمایند و به اهداف خود نائل گردند.

قیام امیر خالد الجزایری (۱۹۲۴)

امیر خالد، نوه امیر عبدالقادر الجزایری، پس از او به مقابله با فرانسویها پرداخت ولی از جانب مسئولین الجزایر به شدت مورد حمله قرار گرفت بنابراین، در سال ۱۹۲۴

و زندانی شد.

جنبش فدراسیون ریزنان مسلمان (۱۹۳۰)

این جنبش در سال ۱۹۳۰ تشکیل گردید و با رهبری «فرحت عباس» (۴۹) به فعالیت خود پرداخت. هدف اصلی این جنبش ادغام الجزایر با فرانسه بر پایه برابری کامل بود. (۵۰) یعنی با وجود اینکه اصل حضور فرانسویها را در الجزایر رد نمی کردند، خواستار برابری در حقوق و مزایا و فعالیت‌های اجتماعی بودند؛ به طوری که حق شهروندی آنان به طور کامل از جانب فرانسویها رعایت شود.

با پیروزی جبهه خلق در انتخابات ۱۹۳۶ فرانسه، امید به برآورده شدن حداقل برخی از تقاضاهای ناسیونالیست‌های الجزایری در دلها به وجود آمد و طرح «پلوم-ویوله» به تصویب رسید. اما این طرح که حقوق کامل شهروندی و تابعیت فرانسوی را به عده زیادی از مسلمانان الجزایر داده بود، با مخالفت‌های سرسختانه مستعمرنشینان فرانسوی و دست‌اندرکاران اداره امور الجزایر، توسط حکومت فرانسه

به پاریس برگشت و در آنجا نیز از سوی اتحادیه چینبها طرد شد. به این ترتیب با کمونیست‌های شمال آفریقا رابطه برقرار کرد. او بعدها از سوی یک دادگاه کنسولی فرانسه محکوم شد و در دمشق ساکن گردید و سرانجام در سال ۱۹۳۶ درگذشت. (۴۴)

هدف امیرخالد الجزایری از این اقدامات، مبارزه با نظام فتوئالی حاکم و کسب آزادیهای سیاسی بود (۴۵) به گونه‌ای که از حقوق کامل شهروندی برخوردار باشند و علیه آنها تبعیض صورت نگیرد.

مصالی الحاج و ایجاد نشریه ناسیونالیست (۱۹۲۴)

در سال ۱۹۲۴ یکی از دانشجویان الجزایری در فرانسه به نام «احمد مصالی الحاج» با همکاری حزب کمونیست فرانسه نخستین نشریه ناسیونالیست الجزایر را در پاریس تأسیس کرد که نام آن را «ستاره شمال آفریقا» (۴۶) گذارند. از این رو روابط دوستانه‌ای بین ناسیونالیست‌ها و کمونیست‌ها به وجود آمد و این رابطه در سال ۱۹۲۷

با توجه به
برخوردهایی
که فرانسویان با
جنبش‌ها داشتند،
همه گروه‌های
انقلابی به ماهیت
غیرانسانی و
تبعیضی فرانسویها
پی بردند و همگی
در یک مسیر
واحد یعنی ایجاد
جبهه آزادپخش
ملی الجزایر گام
پر داشتند و همه
آنها بیرون راندن
فرانسویها را در
سرلوحه اقدامات
خود قرار دادند
تا بدین وسیله به
اهداف خود دست
یابند؛ چرا که در
هیچ صورتی حضور
استعمار فرانسه،
موافق موازین آنها
نبود



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

لغو گردید. (۵۱)

محکم‌تر و قوی‌تر گردید. (۴۷)

با آگاهی حکومت فرانسه، از جنبش مصالی الحاج، او را تحت فشار قرار داد بنابراین، از دید فرانسویها مخفی شد و به صورت زیرزمینی جنبش خود را دنبال کرد. بعد از مدتی یعنی در سال ۱۹۳۳ به عنوان یکی از گردانندگان کنگره‌ای به منظور تصمیم‌گیری برای آینده الجزایر، دوباره فعالیت علنی خود را آغاز کرد. این کنگره خواهان اقدامات زیر بود:

۱. استقلال تام و تمام الجزایر.
 ۲. فراخوانده شدن نظامیان فرانسه از این کشور.
 ۳. تأسیس حکومت انقلابی.
 ۴. اصلاحات وسیع و اساسی در زمینه مالکیت اراضی.
 ۵. ملی کردن مؤسسات صنعتی در الجزایر. (۴۸)
- علی رغم این تلاش‌ها، این جنبش نتوانست در برابر استعمار فرانسه ایستادگی کند بنابراین، به تدریج از میان رفت و مصالی الحاج نیز توسط حکومت فرانسه دستگیر

اتحادیه جمعیت العلماء المسلمین (۱۹۳۱):

رهبران مذهبی نیز با انگیزه‌های اسلامی و دینی، به ایجاد جنبش‌هایی علیه استعمار فرانسه اقدام نمودند؛ به طوری که با فتوای جهاد و تلقی جهاد از مبارزه با اشغالگران، مردم را به میدانهای مبارزه می‌کشیدند.

یکی از این رهبران و مشایخ بزرگ، شیخ عبد الحمید بن بادیس (۵۲) از شهر کنستانتین (۵۳) می‌باشد (۵۴) که جمعیت العلماء المسلمین را در دفاع از هویت اسلامی و ملی مردم الجزایر با همفکری و یاری محمد بشیر الابرهمی (۵۵) ایجاد کرد و از سایر نهادها و سازمانهای دیگر فعال تر بود. (۵۶) این اتحادیه در سال ۱۹۳۱ به وجود آمد (۵۷) و در سال ۱۹۳۲ شعار: الجزایر وطن من، عربی زبان من و اسلام مذهب من را سر دادند (۵۸) و نهضت اصلاحیون مسلمان را پایه‌گذاری کردند. (۵۹) این نهضت



فدراسیون فرانسوی حزب را دوباره تشکیل داد. (۷۰)

قوای متفقین در شمال آفریقا و مذاکره ناسیونالیست‌ها با آنان (۱۹۴۲)

با ورود قوای متفقین به شمال آفریقا در سال ۱۹۴۲ فرصت مناسبی برای ناسیونالیست‌های الجزایر فراهم گردید تا درخواست‌های خود را مطرح نمایند. در ۲۴ دسامبر همین سال (۷۱) گروهی به رهبری فرحت عباس یادداشتی را به مقامات رسمی فرانسوی و فرماندهی نظامی متفقین تسلیم کردند و در آن، خواستار تأسیس یک مجلس قانونگذاری الجزایری بر اساس انتخابات عمومی شدند، ولی این پیشنهاد از جانب مقامات فرانسوی پاسخی نیافت. بنابراین، در سال ۱۹۴۳ بیانیه‌ای را مردم الجزایر صادر کردند و در آن خواستار اصلاحات فوری از جمله: قرار دادن زبان عربی به عنوان زبان رسمی کشور شدند. پس از این بیانیه در ماه مه نیز پیشنهادی مبنی بر تشکیل یک دولت الجزایری بر اساس قانون اساسی که مجلس الجزایر تصویب کرده بود، ارائه کردند. دولت موقت فرانسه که در همان سال تشکیل شده بود بیانیه را رد کرد و پیشنهادهای غیرقابل قبول دانست.

نارضایتی مسلمانان شدت یافت بنابراین، پس از دیدار ژنرال دوگل از شهر الجزایر، قانون جدیدی در سال ۱۹۴۴ درباره الجزایر به اجرا گذاشته شد. این قانون نه رضایت ناسیونالیست‌ها را جلب کرد و نه مورد رضایت مستعمره‌نشینان فرانسوی قرار گرفت؛ چرا که در آن هرگونه مذاکره درباره آینده الجزایر و روابط آن با فرانسه ممنوع گردیده بود. (۷۲)

جنبش دوستداران بیانیه آزادی (۱۹۴۴)

اندکی بعد از اجرای قانون جدید در مورد الجزایر، فرحت عباس «جنبش دوستداران بیانیه آزادی» را به منظور ایجاد جمهوری مستقل و خودمختار الجزایر که با فرانسه وابستگی فدرالی یا ائتلافی داشته باشد، پایه‌گذاری کرد. این جنبش غالباً تحت حمایت مسلمانان طبقه متوسط بود ولی در میان توده مسلمانان الجزایر نیز طرفدارانی پیدا کرد بنابراین، بر خلاف جنبش‌های قبلی با سرعت بیشتری به سمت آزادی و خودمختاری مسلمانان در برقراری تصمیمات و اداره جامعه قدم برداشت (۷۳) که سرانجام در ماه مه ۱۹۴۵ منحل گردید. (۷۴)

در همین زمان، حزب خلق الجزایر به رهبری مصالی الحاج نیز در سال‌های بین ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۵ طرفداران زیادی در میان توده‌های مسلمان الجزایری پیدا نمود.

قیام سطیف (۱۹۴۵)

نارضایتی از سردمداران فرانسه در الجزایر در بین مردم همچنان ادامه داشت و در گوشه و کنار اقدامات

شامل ۱۳ تن از علماء بود که از جمله آنها می‌توان مبارک الحلی و توفیق المدانی را نام برد که اولین نویسندگان تاریخ ملی الجزایر به زبان عرب بودند. (۶۰)

شیخ عبدالحمید در ابتدا مجله المنتقد را در سال ۱۹۲۶ منتشر کرده بود که پس از ۱۸ شماره توسط دولت فرانسه تعطیل شد. (۶۱) او سپس نشریه‌ای با عنوان مجله الشهاب انتشار داد (۶۲) که در آن اهداف مقدس اسلامی خود را مطرح می‌کرد، این مجله الهام گرفته از مجله المنار رشیدرضا بود که تا سال ۱۹۴۰ ادامه پیدا کرد. (۶۳)

علاوه بر شیخ عبدالحمید بن بادیس مشایخی همچون: شیخ محمدبشیر الابرهمی از تلمسان، طیب الاوقبی از الجزیره و دهها تن دیگر نظیر اینان وجود داشتند که تنها اهداف مقدس اسلامی را از مبارزه با استعمار فرانسه در سر داشتند. (۶۴)

یکی از کسانی که به حمایت از ابن بادیس پرداخت و در کنار او در فعالیت‌هایش شرکت کرد، احمد طالب ابراهیمی فرزند شیخ بشیر طالب ابراهیمی بود که برجسته‌ترین چهره احیای اسلامی در الجزایر است. او پس از اخذ یک درجه پزشکی در پاریس، رئیس اتحادیه عمومی دانشجویان مسلمان الجزایری در فرانسه شد. (۶۵) ابن بادیس دامنه فعالیت‌هایش را از قسطنطنیه به شهرهای دیگر به ویژه پایتخت، تلمسان و وهران گسترش داد، ولی سرانجام در سال ۱۹۴۰ در قسطنطنیه بنابر روایتی او را مسموم کردند. (۶۶)

مصالی الحاج و تشکیل حزب خلق الجزایر (۱۹۳۶)

در سال ۱۹۳۶ با آزادی مصالی الحاج از زندان وی اقدام مهمی نمود و آن تشکیل حزب خلق الجزایر در الجزیره (۶۸) بود. این جنبش نیز با رهبری مصالی الحاج در صدد رسیدن به اهداف ناسیونالیستی و اجرای آن در الجزایر بود.

نخستین جرقه‌های جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ شعله‌ور شد که این امر باعث توقف فعالیت‌های ناسیونالیست‌های الجزایر گردید، ولی همین جنگ باعث شد تا موضع ناسیونالیست‌ها برای فعالیت‌های بعدی تقویت گردد، (۶۹) چون فرصتهایی را برای مذاکره یافتند.

مصطفی لاجراف و ایجاد نشریه حزب مردم الجزایر (۱۹۳۹)

او پس از تحصیلات اولیه برای تکمیل تحصیلاتش به ثالبیه و سورین رفت و بعد از آن در یک لیسه به کار مشغول شد. او به تدریج وارد جنبش‌های سیاسی شد و در سال ۱۹۳۹ نشریه زیرزمینی حزب مردم الجزایر را سازماندهی کرد تا بدین وسیله اهداف حزب مردم الجزایر را به گوش مردم برساند. او بعدها یعنی در سال ۱۹۴۵



در اوائل سال ۱۹۴۷ چند تن از جوانترین اعضای «جنبش برای کسب آزادیهای دموکراتیک» از سازمان مزبور جدا شدند و سازمان دیگری تحت عنوان «سازمان ویژه یا مخفی» را به وجود آوردند. یکی از نخستین اقدامات این سازمان، تشکیل یک ارتش کوچک ولی منظم و انسجام‌یافته ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفری و نیز برقراری تماس با رهبران جنبش ضد استعماری دانشجویان مسلمان دانشگاه الجزایر بود



و قیامهایی را به وجود آورد که اوج این قیامها در سال ۱۹۴۵ است.

در ماه مه همین سال، مسلمانان گردهم آمدند و در منطقه سطیف دست به قیام زدند، این قیام با واکنش جدی نظامیان فرانسوی مواجه گردید و بیش از ۱۵ هزار مسلمان شهید شدند. این کشتار خشم مردم را برانگیخت و در پی آن فرحت عباس ترور گردید. جنبش دوستداران بیانیه آزادی نیز بسیاری از رهبران ناسیونالیستها را متقاعد ساخت که تنها با قوه قهریه می‌توانند راه حصول به هدفشان را باز نمایند. (۷۵)

قیام کنستانتین یا قسطنطنیه (۱۹۴۵)

به تبعیت از قیام اوراس، همچنان قیامهایی به صورت مخفی و نیروهای کوچک محلی ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۴۵ قیام عظیمی توسط مردم در منطقه قسطنطنیه برپا شد. این قیام بر خلاف قیام اوراس از شدت و اوج بیشتری برخوردار بود.

حکومت فرانسه برای مقابله با این قیام، بر مردم آتش گشود و ۴۵ هزار نفر از آنان را به شهادت رساند و بدین وسیله در ظاهر حرکت مردم را خاموش نمود. (۷۶)

این کشتارها روز به روز بر خشم مردم نسبت به حکومت فرانسه می‌افزود و رفته رفته نگرش آنها را نسبت به دستگاه حکومت دگرگون می‌کرد به طوری که اگر در مراحل اولیه خواستار سازش بودند، اما اکنون اقدامات جدی را برای مقابله با آنان در پیش گرفتند.

اتحادیه دموکراتیک بیانیه الجزایر (۱۹۴۶)

در سال ۱۹۴۶ فرحت عباس از زندان آزاد شد و اتحادیه دموکراتیک، بیانیه الجزایر را تأسیس کرد. منظور از این اقدام، فراهم آوردن زمینه تشکیل دولت خودمختار و غیرمذهبی الجزایر، در چارچوب ممالک متحده فرانسه یا اتحادیه فرانسه بود. به طوری که حق شهروندی الجزایر را برای فرانسویان الجزایر به رسمیت می‌شناخت

به شرطی که متقابلاً هر فرد الجزایری مقیم فرانسه نیز از چنین حقی برخوردار باشد. (۷۷)

این اتحادیه علی‌رغم موفقیتهایی که در انتخابات مجلس فرانسه به دست آورد، به هیچ یک از اهداف خود دست نیافت بنابراین، در سپتامبر ۱۹۴۶ از مجلس فرانسه خارج شد و در انتخابات بعدی نیز شرکت نکرد. (۷۸)

جنبش برای کسب آزادیهای دموکراتیک (MTLD)

به دنبال از میان رفتن اتحادیه دموکراتیک بیانیه الجزایر، جنبش افراطی «جنبش برای کسب آزادیهای دموکراتیک» در پایان جنگ جهانی دوم توسط مصالی الحاج تشکیل شد که این جنبش، خلأ ناشی بر اثر از میان رفتن اتحادیه دموکراتیک بیانیه الجزایر را پر کرد و ادامه راه آن بود.

المأمین دباغین، حسین الاحول، احمد میزنا و محمد خیصر از کسانی بودند که در تأسیس این حزب نقش عمده‌ای داشتند. (۷۹) آنان خواستار تأسیس یک مجلس قانونگذاری بودند و علاوه بر آن خواستهای دیگری نیز داشتند (۸۰) که هیچ گونه شانسی برای پذیرفته شدن نداشت. (۸۰)

مصطفی لاجراف از کسانی است که به عنوان یک عضو پیشتاز در «جنبش برای کسب آزادیهای دموکراتیک» شرکت کرد (۸۱) و در جهت اهداف آن قدم برداشت، به جز او برجسته‌ترین شخصیتی که در این تشکیلات حضور داشت، احمد بن بلا بود که به عنوان یک عضو مؤثر به زودی بیهودگی فعالیت در چارچوب اشغال فرانسوی را دریافت (۸۲) و از این رو در صدد تغییر آن برآمد.

تلاش فرانسه برای توافق با ناسیونالیستها (۱۹۴۷)

فرانسویها به خطر بزرگ جنبشهای موجود در الجزایر پی برده بودند بنابراین، از هر راهی برای سرکوب یا خاموش کردن آنها وارد می‌شدند.

در ادامه این تلاشها حکومت فرانسه قانون اساسی



به دنبال از میان رفتن اتحادیه دموکراتیک بیانیه الجزایر، جنبش افراطی «جنبش برای کسب آزادیهای دموکراتیک» در پایان جنگ جهانی دوم توسط مصالی الحاج تشکیل شد که این جنبش، خلأ ناشی بر اثر از میان رفتن اتحادیه دموکراتیک بیانیه الجزایر را پر کرد و ادامه راه آن بود

در سال ۱۹۴۶
فرحت عباس
از زندان آزاد
شد و اتحادیه
دموکراتیک، بیانیه
الجزایر را تأسیس
کرد. منظور از این
اقدام، فراهم آوردن
زمینه تشکیل
دولت خودمختار و
غیرمذهبی الجزایر،
در چارچوب ممالک
متحدۀ فرانسه یا
اتحادیه فرانسه بود.
به طوری که حق
شهروندی الجزایر
را برای فرانسویان
الجزایر به رسمیت
می شناخت به
شرطی که متقابلاً
هر فرد الجزایری
مقیم فرانسه نیز
از چنین حقی
برخوردار باشد

جدیدی را در بیستم سپتامبر ۱۹۴۷ ارائه کرد. در این قانون به تمام مردم الجزایر حتی زنان حق رأی داده می شد و بر اثر آن، زبان عربی همانند زبان فرانسوی به رسمیت شناخته شد. بر اساس این قانون، مجلس قانونگذاری به دو گروه شصت نفره تقسیم شد که یک گروه نماینده یک و نیم میلیون اروپایی ساکن الجزایر و گروه دیگر نماینده نه میلیون مسلمان الجزایری گردید.

بقیه بندهای این قانون نیز به گونه ای بود که امکان هر گونه قانونگذاری علیه اروپائیان را منتفی می ساخت. این قانون هیچ گاه به طور کامل اجرا نشد و تنها کاری که به آن اقدام نمود، این بود که فعالیت عمده ترین نیروهای ناسیونالیستی را به شکل زیرزمینی درآورد. (۸۳)

سازمان ویژه یا مخفی (۱۹۴۷)

در اوائل سال ۱۹۴۷ چند تن از جوان ترین اعضای «جنبش برای کسب آزادیهای دموکراتیک» از سازمان مزبور جدا شدند و سازمان دیگری تحت عنوان «سازمان ویژه یا مخفی» را به وجود آوردند. (۸۴)

یکی از نخستین اقدامات این سازمان، تشکیل یک ارتش کوچک ولی منظم و انسجام یافته ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفری و نیز برقراری تماس با رهبران جنبش ضد استعماری دانشجویان مسلمان دانشگاه الجزایر بود. (۸۵)

بعد از گذشت دو سال، این سازمان به چنان نیرویی دست یافت که توانست در وهران دست به یک حمله بزند. بنابراین، به دنبال این حرکت سازمان مزبور شناسایی و رهبرانش بازداشت شدند، اما عده کمی از رهبران توانستند به حیات خود ادامه دهند و در منطقه قبائل به فعالیت پردازند. (۸۶) احمد بن بلا که عضو اصلی سازمان ویژه بود و رهبری حمله در وهران را بر عهده داشت نیز از دست حکومت فرانسه پنهان شد و در سال ۱۹۵۲ به قاهره گریخت. (۸۷)

آزار و شکنجه مردم الجزایر و ایجاد جبهه آزادیبخش ملی الجزایر (۱۹۵۴)

حکومت فرانسه بعد از آنکه متوجه این امر گردید که علی رغم اقدامات اصلاحی (البته به قول خود) هنوز از جانب دولتش، در بین مردم ناراضی وجود دارد و روز به روز جنبشهای ضد استعمار فرانسوی بیشتر می شود، به اقدام عملی و آزار و شکنجه مسلمانان روی آورد (۸۸) تا آنان را از اقداماتشان منصرف کند.

از طرف دیگر، مسلمانان نیز به ماهیت استبدادی و غیرانسانی فرانسویها، مخصوصاً بعد از اقدامات به ظاهر اصلاحی ای که توسط حکومت فرانسه صورت گرفت و در آن تبعیض علیه الجزایریها به روشنی مشهود بود، پی برده بودند بنابراین، تصمیم گرفتند تا به اقدامات اساسی برای بیرون راندن فرانسویها از کشورشان پردازند و از این

رو سرانجام در سال ۱۹۵۴ (۸۹) به پایه گذاری جبهه آزادیبخش ملی الجزایر اقدام نمودند و مبارزه با استعمار را در صدر اهداف خود قرار دادند.

جمع بندی جنبشهای سیاسی و اسلامی الجزایر در نیمه اول قرن بیستم

از ابتدای ورود استعمار فرانسه در الجزایر، مردم این کشور در صدد اقداماتی علیه آنها برآمدند. این اقدامات را مخصوصاً در نیمه اول قرن بیستم می توان به سه دسته کلی تقسیم کرد که عبارتند از:

۱. اقدامات طرفداران ناسیونالیسم که با اصل وجود فرانسویها مخالف نبودند و تنها خواستار بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و رفاهی خود و تشکیل حکومت مردمی توسط آرای خود مردم بودند مانند جنبشهای مصالی الحاج.

۲. اقدامات اسلام گرایان که نه تنها با اصل وجودی فرانسه مخالف بودند؛ بلکه آن را مخالف موازین اسلامی و مسلمانان می دانستند و تنها راه پیروزی و رسیدن به هدف را در بیرون راندن فرانسویها برمی شمردند مانند: جنبش عبدالحمید بن بادیس.

۳. اقدامات کسانی که در حد میانه بودند یعنی در صدد بودند که موازین اسلامی و ملی آنها در حد معمولی رعایت شود، مانند قیام کنستانتین که در آن هر دو دسته اسلام گرا و ملی گرا حضور داشتند مخصوصاً کسانی که میانه رو بودند و به اعتبار ما دسته سوم را تشکیل می دادند.

به طور کلی با توجه به برخوردهایی که فرانسویان با جنبشها داشتند، هر سه دسته فوق به ماهیت غیرانسانی و تبعیضی فرانسویها پی بردند و همگی در یک مسیر واحد یعنی ایجاد جبهه آزادیبخش ملی الجزایر گام برداشتند و همه آنها بیرون راندن فرانسویها را در سرلوحه اقدامات خود قرار دادند تا بدین وسیله به اهداف خود دست یابند؛ چرا که در هیچ صورتی حضور استعمار فرانسه، موافق موازین آنها نبود.

نکته قابل توجه اینکه در برخورد با فرهنگ غربی نیز مردم الجزایر به دو دسته تقسیم شدند. یک دسته به تابعیت فرانسه و زندگی غربی روی آوردند و دسته دیگر موازین و زندگی خود را در همان شکل اولیه حفظ نمودند.

نتیجه گیری

با ظهور استعمار در هر کشوری، همه مردم در همان ابتدای امر به ماهیت استعمار پی نمی برند مخصوصاً که آنها داعیه برابری را سر می دهند. بنابراین، در برخورد با استعمار به دو دسته تقسیم می شوند که افکار و مکاتب فکری نیز در این عامل مؤثرند. همان طور که در استعمار فرانسه در الجزایر، عدلای طرفدار ناسیونالیسم و عده ای



فرانسویها به خطر بزرگ جنبشهای موجود در الجزایر پی برده بودند بنابراین، از هر راهی برای سرکوب یا خاموش کردن آنها وارد می شدند. در ادامه این تلاشها حکومت فرانسه قانون اساسی جدیدی را در بیستم سپتامبر ۱۹۴۷ ارائه کرد. در این قانون به تمام مردم الجزایر حتی زنان حق رای داده شد و بر اثر آن، زبان عربی همانند زبان فرانسوی به رسمیت شناخته شد. بر اساس این قانون، مجلس قانونگذاری به دو گروه شصت نفره تقسیم شد که یک گروه نماینده یک و نیم میلیون اروپایی ساکن الجزایر و گروه دیگر نماینده نه میلیون مسلمان الجزایری گردید



عکسهای یادگاری نظامیان فرانسوی در الجزایر

طرفدار اسلام شدند.

اما فرهنگسازی و اقدامات اصلاحی در تغییر تفکر و دیدگاه مردم بسیار مؤثر است و می تواند آنها را از رفتن به سوی پرتگاه حفظ نماید، همانگونه که در انقلاب الجزایر سرانجام مردم در خط واحدی قرار گرفتند که در نهایت به پیروزی آنها در سال ۱۹۶۲ منجر شد.

پی نوشتها:

۱. کشورهای جهان، ص ۲۰۵- سرزمین اسلام، ص ۳۶۰- جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۲۶- الجزایر، ص ۲- دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۰۸- همان، ج ۱۰، ص ۴.
۲. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۲۶- لغتنامه دهخدا، ج ۲، ص ۳۱۸۲- دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۰۸- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۴- الجزایر، ص ۲- شمال آفریقا را منطقه المغرب گویند که شامل: تونس، الجزایر و مراکش می باشد. (دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۰۸).
۳. سرزمین اسلام، ص ۳۶۰- جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۲۶.
۴. الجزایر، ص ۲.
۵. کشورهای جهان، ص ۲۰۶- سرزمین اسلام، ص ۳۶۰- دایرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۲۰۴- لغتنامه دهخدا، ج ۲، ص ۳۱۸۲- دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۰۸- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۴.
۶. پایتخت این کشور در عربی همان الجزایر است و به خاطر متمایز شدن در فارسی الجزیره نامیده شده است (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۲۰).
۷. سرزمین اسلام، ص ۳۶۰.
۸. جهان اسلام، ج ۱، صص ۱۲۶- ۱۲۷- لغتنامه دهخدا، ج ۲، ص ۳۱۸۲- دایرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۲۰۴- الجزایر، ص ۳.
۹. همان، ج ۱، صص ۱۲۶- ۱۲۷- به قولی بیش از چهار پنجم این کشور را در بر می گیرد (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۴).
۱۰. الجزایر، ص ۳- یعنی بیش از ۲ میلیون کیلومتر مربع (سرزمین اسلام، ص ۳۶۱).
۱۱. سرزمین اسلام، ص ۳۶۰.
۱۲. جهان اسلام، ج ۱، صص ۱۲۷- الجزایر، ص ۳.
۱۳. جهان اسلام، ج ۱، صص ۱۲۷- سرزمین اسلام، ص ۳۶۱- آن را وادی الشلف یا الشلف نیز گویند که از اطلس صحرائی سرچشمه می گیرد و به مدیترانه می ریزد (دایرة المعارف فارسی ج ۱، ص ۲۰۴- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۵).
۱۴. همان، ج ۱، ص ۱۲۷.
۱۵. همان، ج ۱، صص ۱۳۲- ۱۳۳- دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۰۸- الجزایر، ص ۹.
۱۶. سرزمین اسلام، ص ۳۶۱- الجزایر سرزمین قهرمانان اسلامی، ص ۱۶- دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۰۸.
۱۷. همان، ص ۳۶۱- جهان اسلام، ج ۱، صص ۱۳۲- ۱۳۳ - یعنی در سال ۷۴ هجری (۶۸۲ میلادی) (کشورهای جهان، ص ۲۰۷- انقلاب الجزایر، ص ۲۵- دایرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۲۰۴، البته ۶۳ هجری و ۵۰ هجری نیز گفته اند (دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۰۸- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۱۲).
۱۸. جهان اسلام، ج ۱، صص ۱۳۲- ۱۳۳.
۱۹. سرزمین اسلام، ص ۳۶۱.
۲۰. همان، ص ۳۶۱- جهان اسلام، ج ۱، صص ۱۳۲- ۱۳۳- دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۰۸.
۲۱. جهان اسلام، ج ۱، صص ۱۳۲- ۱۳۳- دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۰۸.
۲۲. همان، ج ۱، صص ۱۳۲- ۱۳۳- سرزمین اسلام، ص ۳۶۱- دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۰۸.
۲۳. همان، ج ۱، صص ۱۳۲- ۱۳۳.
۲۴. همان، ج ۱، صص ۱۳۲- ۱۳۳- دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۰۸.
۲۵. همان، ج ۱، صص ۱۳۲- ۱۳۳.
۲۶. همان، ج ۱، ص ۱۳۷- الجزایر سرزمین قهرمانان اسلامی، ص ۱۷- کشورهای جهان، ص ۲۰۷- دایرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۲۰۴- پس از نبرد ۲۲ روزه: لغتنامه دهخدا، ج ۲، ص ۳۱۸۲ با ارتش ۳۷ هزار نفری انقلاب الجزایر، ص ۲۶، وارد شهر الجزایر پایتخت این کشور شدند. آنان از قبل این کشور را بخشی از فرانسه می دانستند (انقلاب الجزایر، ص ۲۶).
۲۷. انقلاب الجزایر، ص ۲۵.
۲۸. همان، ص ۲۵- سرزمین اسلام، ص ۳۶۱- دایرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۲۰۴- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۴- گفته شده است که عثمانی هیچ گاه نتوانست نفوذ کامل در الجزایر کسب کند: کشورهای جهان، ص ۲۰۷.
۲۹. الجزایر سرزمین قهرمانان اسلامی، ص ۷۹.
۳۰. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۳۷- دایرة المعارف الإسلامیه الشیعیه، ج ۱۰، ص ۲۹۲.
۳۱. همان، ج ۱، ص ۱۴۰.
۳۲. او را پادشاه عرب یا امیر المؤمنین نام نهادند که می گفت: برای مقابله با فرانسویها دو راه بیشتر وجود ندارد یا پیروزی یا به شهادت

- می‌رسیم، الجزایر، ص ۱۸.
۳۳. الجزایر سرزمین قهرمانان اسلامی، ص ۷۹ و ۸۰- جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۱- انقلاب الجزایر، صص ۲۶-۲۹- لغت‌نامه دهخدا، ج ۲، ص ۳۱۸۳- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، صص ۱۶-۱۷- الجزایر و مردان مجاهد، صص ۹۷-۹۹.
۳۴. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۰.
۳۵. انقلاب الجزایر، ص ۳۲.
۳۶. تاریخ معاصر الجزایر، ص ۹۳.
۳۷. همان، ص ۹۳.
۳۸. همان، ص ۹۵ و ۹۶.
۳۹. الجزایر سرزمین قهرمانان اسلامی، صص ۷۹-۸۰- جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۱- تاریخ معاصر الجزایر، ص ۹۴ و یا ۱۹۱۷ الجزایر و مردان مجاهد، ص ۹۹.
۴۰. در مقابله با این اقدام، فرانسویها ابتدا در سال ۱۹۱۱ در حدود ۲۰۰ تن از بزرگان الجزایر از تلمسان به سوریه مهاجرت کردند، ولی از این اقدام آنها جلوگیری نکرد. در سال ۱۹۱۹ برای خشنودی مهاجران به اصلاحاتی پرداختند، ولی نتیجه خوبی نداشت و به جنبش‌های دیگری همچون: جنبش شهرداران الجزایر انجامید. این اصلاحات جنبش جوانان الجزایری را نیز مأیوس کرد. تاریخ معاصر الجزایر، صص ۹۴-۹۵.
۴۱. تاریخ معاصر الجزایر، صص ۹۳-۹۴- انقلاب الجزایر، ص ۳۳.
۴۲. فرهنگ عمید، ص ۱۱۶۸.
۴۳. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۰.
۴۴. تاریخ معاصر الجزایر، صص ۹۵-۹۶.
۴۵. انقلاب الجزایر، ص ۳۳.
۴۶. تاریخ معاصر الجزایر، ص ۹۶- الجزایر و مردان مجاهد، ص ۹۲.
۴۷. همان، ص ۱۱۲- انقلاب الجزایر، صص ۳۳-۳۴- جهان اسلام، ج ۱، صص ۱۴۱-۱۴۲.
۴۸. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۲.
۴۹. او در ابتدا طرفدار سیاست فرانسوی شدن الجزایر بود ولی بعد به اشتباه خود پی برد و سرانجام به جبهه آزادیبخش ملی الجزایر پیوست. انقلاب الجزایر، ص ۳۰- الجزایر و مردان مجاهد، صص ۹۳-۱۰۹.
۵۰. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۱- نام دیگر این جنبش «انجمن دانشجویان مسلمان» است.
۵۱. تاریخ معاصر الجزایر، صص ۱۱۴-۱۱۵- جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۲.
۵۲. عبد الحمید بن محمد المصطفی بن بادیس منهایجی (ابن بادیس و الجزایر، ص ۲).
۵۳. تاریخ معاصر الجزایر، ص ۱۱۲.
۵۴. او تحت تأثیر افکار شیخ محمد عبده و سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. ابن بادیس و الجزایر، ص ۳- انقلاب الجزایر، ص ۳۵.
۵۵. ابن بادیس و الجزایر، ص ۳.
۵۶. الجزایر، صص ۱۸-۱۹- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۱۷.
۵۷. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۱- ابن بادیس و الجزایر، ص ۳.
۵۸. الجزایر، صص ۱۸-۱۹- انقلاب الجزایر، ص ۳۶.
۵۹. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۱- الجزایر، صص ۱۸-۱۹- انقلاب الجزایر، ص ۳۶- تاریخ معاصر الجزایر، صص ۱۱۲-۱۱۳.
۶۰. تاریخ معاصر الجزایر، ص ۱۱۲.
۶۱. ابن بادیس و الجزایر، ص ۳.
۶۲. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۱- تاریخ معاصر الجزایر، ص ۱۱۳- دایرة المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۱۰، ص ۲۹۴- این جریان به منظور صرفاً دینی تشکیل شده بود و روزنامه هفتگی «البصائر» منتشر می‌ساخت که توسط استعمار سرکوب شد و رهبران آن به کشورهای دیگر پناهنده شدند و در آنجا به نبرد خود ادامه دادند: الجزایر سرزمین قهرمانان اسلامی، صص ۲۱-۲۲.
۶۳. ابن بادیس و الجزایر، ص ۳.
۶۴. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۱- تاریخ معاصر الجزایر، ص ۱۱۲- انقلاب الجزایر، ص ۳۵.
۶۵. اندیشه سیاسی عرب در دوره معاصر، ص ۲۳۷.
۶۶. ابن بادیس و الجزایر، ص ۳.
۶۷. یا ۱۹۳۷: تاریخ معاصر الجزایر، ص ۱۱۲.
۶۸. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۲- انقلاب الجزایر، ص ۳۴- تاریخ معاصر الجزایر، ص ۱۱۲- الجزایر و مردان مجاهد، ص ۹۳.
۶۹. همان، ج ۱، صص ۱۴۲-۱۴۳.
۷۰. اندیشه سیاسی عرب در دوره معاصر، ص ۷۳.
۷۱. به قولی ۱۰ آوریل ۱۹۴۱ (تاریخ معاصر الجزایر، ص ۱۱۷).
۷۲. تاریخ معاصر الجزایر، صص ۱۱۶-۱۲۰- جهان اسلام، ج ۱، صص ۱۴۳-۱۴۴- دایرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۲۰۴.
۷۳. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۴.
۷۴. انقلاب الجزایر، ص ۲۴- تاریخ معاصر الجزایر، ص ۱۲۱.
۷۵. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۴- انقلاب الجزایر، ص ۳۴- دایرة المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۱۰، ص ۲۹۴- بن بلا ص ۴.
۷۶. همان، ج ۱، ص ۱۴۱- الجزایر سرزمین قهرمانان اسلامی، ص ۸۰- لغت‌نامه دهخدا، ج ۲، ص ۳۱۸۳- الجزایر و مردان مجاهد، ص ۹۹.
۷۷. تاریخ معاصر الجزایر، صص ۱۲۱-۱۲۳.
۷۸. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۵- تاریخ معاصر الجزایر، ص ۱۲۱- انقلاب الجزایر، ص ۳۴.
۷۹. همان، ص ۳۴.
۸۰. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۵- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۱۷- دایرة المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۱۰، ص ۲۹۴.
۸۱. اندیشه سیاسی عرب در دوره معاصر، ص ۷۳.
۸۲. همان، ص ۳۰۹.
۸۳. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۵- تاریخ معاصر الجزایر، صص ۱۲۳-۱۲۴- انقلاب الجزایر، ص ۳۷.
۸۴. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۵- مؤسس اصلی سازمان «محمد خیضر» می‌باشد: بن بلا، ص ۵.
۸۵. الجزایر، ص ۲۶.
۸۶. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۵.
۸۷. همان، ج ۱، ص ۱۴۵- الجزایر، ص ۲۶- اعضای اصلی و معروف این سازمان عبارتند از: احمد بن بلا، محمد بودیاف، احمد محمد خیضر، آیت احمد و عبدالحسین ابویوسف، تاریخ معاصر الجزایر، ص ۱۲۵- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۱۷- بن بلا، صص ۴-۵.
۸۸. برای آشنایی با شکنجه‌ها و اقدامات نامشروع ر.ک: الجزایر سرزمین قهرمانان اسلامی، صص ۲۲-۲۴.
۸۹. الجزایر، ص ۱۸- جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۴۵- الجزایر سرزمین قهرمانان اسلامی، صص ۲۵-۲۶- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۱۸.

* فهرست منابع و مآخذ این نوشتار در دفتر نشریه موجود است.

